

روش‌شناسی اقتصاد اسلامی براساس عملکرد اقتصادی امام علی (ع)

سیدسجاد علم‌الهدی*

چکیده

رفتار اقتصادی امام علی (ع) در میان همه رهبران و پیشوایان دینی بیش‌ترین توجه را به خود اختصاص داده است. گفتار، رفتار، و سیاست‌های امام علی (ع) در حوزه اقتصاد و معیشت از ابعاد مهم رویکرد حکومتی و اجتماعی ایشان است. هم‌چنان که سیره و رفتار شخصی ایشان به‌تنهایی حاوی دنیایی از نکات درخور توجه و بررسی است. در متون تاریخی و روایی، هزاران گزاره در این باب وجود دارد که مراجعه به همه آن‌ها برای کشف و تحلیل سیره اقتصادی ایشان ممکن نیست. در این میان، حکمت‌ها، خطبه‌ها، و نامه‌های نهج‌البلاغه، به‌ویژه عهد مالک‌اشتر، می‌تواند محور اساسی و مستندی قوی برای دریافت رویکرد امام به اقتصاد باشد. با بررسی حکومت امام علی (ع)، به‌منزله مصداقی کامل از حکومت اسلامی، می‌توان زوایای عملی و اجرایی احکام اسلامی و نیز وظایف مهم اقتصادی یک حکومت را شناسایی کرد. علاوه بر آنکه با بهره‌گیری از سیره اقتصادی ایشان می‌توان رفتار اقتصادی یک مسلمان را استخراج کرد.

کلیدواژه‌ها: سیره اقتصادی امام علی (ع)، روش زندگی شخصی، روش حکومت‌داری، سیاست اقتصادی.

۱. مقدمه

پیش از آنکه امام علی (ع) زمام امور را به‌دست گیرد، تحولات اقتصادی عظیمی به‌تدریج

* استادیار پژوهشکده اقتصاد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۳۰

در جامعه و حکومت روی داد و مناسبات اقتصادی متعادل زمان پیامبر (ص) به شدت دگرگون شد. این تحول در دوران خلیفه سوم به صورت چپاول اقتصادی و مسکنت مالی جامعه را به بحران کشاند و ثروت‌ها و دارایی‌های عمومی در اختیار طبقه‌ای خاص قرار گرفت؛ به طوری که، جامعه به شدت گرفتار انبوه‌داری و فزون‌خواهی از یک‌سو و نیازمندی و ناداری از دیگرسو شده بود. زمام‌داران با نگاه مالک‌مدارانه خود به مردم و دارایی آن‌ها هرگونه که می‌خواستند با مردم و اموال و امانت‌های آنها رفتار می‌کردند. علی (ع) در چنین وضعیتی به حکومت رسید. از جمله اقدامات حضرت برای سامان‌دهی اوضاع این بود که اموالی از بیت‌المال، که در دوران عثمان در میان خلیفه و نزدیکانش تقسیم شده بود، به خزانه بازگرداند. علی (ع) در خطبه شقشقیه در معرفی عثمان می‌گوید:

... تا سومین به مقصود رسید و هم‌چون چهارپا بتاخت، و خود را در کشت‌زار مسلمانان انداخت، و پیاپی دوپهلوی را آکنده کرد و تهی ساخت. خویشاوندانش با او ایستادند، و بیت‌المال را خوردند و بر باد دادند، چون شتر که مهار بُرد، و گیاه بهاران چرد ... (نهج‌البلاغه: خطبه ۳).

امام علی (ع) یگانه حاکم و امام شیعیان بعد از رسول خدا (ص) بود؛ به همین دلیل، بررسی دوران حکومت، هرچند کوتاه، ایشان اهمیت ویژه‌ای دارد. این بررسی گاهی با استناد به اعتقاد شیعیان به عصمت امامان معصوم و اینکه ایشان مرتکب خطا نمی‌شوند صورت می‌پذیرد، پس روش زندگی و حکومت‌داری امام می‌تواند مستندی فقهی و حجتی شرعی در نظر گرفته شود. گاهی نیز فارغ از بحث عصمت، حکومت امام علی (ع)، در مقام زمام‌دار و حاکم مسلمان که همه مسلمانان در طی تاریخ بر عدالت و پارسایی او متفق‌القول‌اند، بررسی می‌شود. با این نگاه، ایشان در دوران حکومت خود با استفاده از شواهد و قراین احکامی صادر کرده و در امور دنیوی همانند دیگران تصمیم‌هایی اتخاذ کرده بود که می‌تواند به مثابه الگو و نمونه عملی مقبول از آنها تبعیت شود. با توجه به وضعیت آشفته جامعه مسلمانان پس از کشته شدن خلیفه سوم و جنگ‌ها و مشکلاتی که وجود داشته، حکومت ایشان از نظر رعایت دقیق اصول و ضوابط اسلامی حکومت موفق بوده است و می‌توان به روش حکومتی ایشان برای نیل به موفقیت در حکومت‌داری استناد کرد.

در این مقاله، به دیدگاه دوم توجه و حکومت علی (ع) به منزله حکومتی موفق در تاریخ بررسی شده است. بیان دیدگاه‌ها، نظرها، و رفتارهای شخصی و حکومتی ایشان می‌تواند راهنما و راه‌گشای مردم، به خصوص کسانی که بر جایگاه‌های حکومتی کشور تکیه زده‌اند،

باشد. توزیع عادلانه، رعایت قوانین و مقررات، و مردم‌داری از ویژگی‌های بارز حکومت امام علی (ع) است که سبب شده تا از آن به‌منزله حکومتی موفق نام برده شود.

فرضیه اصلی این تحقیق بر این نکته تأکید دارد که می‌توان از منظومه فکری و رفتاری امام علی (ع) در حوزه اقتصاد و معیشت، به‌مثابه مدلی اقتصادی، الگوی موفق برای اقتصاد اسلامی استخراج کرد.

روش تحقیق در این مقاله تحلیلی - توصیفی است و به معتبرترین منبع متون اسلامی یعنی نهج‌البلاغه استناد شده است.

۲. رفتارشناسی اقتصادی امام علی (ع)

رفتار اقتصادی امام علی (ع) از دو جنبه فردی و اجتماعی (یا حکومتی) قابل بررسی است. این بررسی مبتنی بر شناسایی شاخصه‌های اساسی اقتصادی در زندگی ایشان است. این شاخصه‌ها را می‌توان از بررسی و مطالعه متون مستند موجود، به‌ویژه نهج‌البلاغه، استخراج کرد.

۱.۲ رفتار اقتصادی فردی

۱.۱.۲ منبع درآمد

از بهترین شاخصه‌های رفتار اقتصادی فردی منبع درآمد و ارتزاق است. کمیت و مهم‌تر از آن کیفیت منبع درآمد تاحدی نشان‌دهنده میزان سلامت رفتار اقتصادی فردی است. براساس آنچه از متون دینی و مستندات تاریخی درباره منابع درآمد امام علی (ع) به‌دست آمده، مهم‌ترین منبع درآمد ایشان از کار شخصی‌شان تأمین می‌شده است. البته منابع درآمد دیگری نیز برای ایشان نقل شده که در ذیل به شش مورد آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) تولید: امام علی (ع) در سنت گفتاری خود بر همه فعالیت‌های مفید اقتصادی اعم از صنعت، تجارت، خدمات، و کشاورزی تأکید و از آنها استقبال می‌کرد، اما شخصاً کشاورزی را برگزید. در تحلیل این انتخاب اولاً، باید به وضعیت محیطی و اقتصادی مدینه توجه کرد. بر خلاف اوضاع مکه، که با تجارت و دام‌پروری سازگاری بیشتری داشت و به‌همین دلیل مردم آنجا بیشتر در این دو رشته فعالیت می‌کردند، مدینه به‌دلیل داشتن خاک حاصل‌خیز و آب‌وهوای مساعد با زراعت بیشتر مناسب داشت. به‌همین دلیل، پیامبر اکرم (ص) پس از

مهاجرت به مدینه به قریشیان توصیه کرد که از دام‌پروری، که حرفه مورد علاقه ایشان بود، دست بردارند و به کشاورزی روی آورند. ثانیاً، نقش زیربنایی کشاورزی در توسعه اقتصادی است. درست است که توسعه اقتصادی با پیش‌رفت‌های فنی در بخش صنعت تحقق می‌یابد، اما تا زمانی که نیازهای ضروری و ابتدایی انسان تأمین نشود، مازاد درآمدی برای سرمایه‌گذاری و مازاد نیروی کاری برای اشتغال در بخش صنعت به‌وجود نخواهد آمد و بدون این‌ها توسعه امکان‌پذیر نخواهد بود. ثالثاً، سازگاری آن با قاعده رفتاری آن حضرت است. تردیدی نیست که کشاورزی به‌رغم فایده بسیار زیاد اجتماعی آن، به‌ویژه فراهم کردن نیازهای حیاتی قشرهای کم‌درآمد، از نظر اقتصادی سودآوری کم‌تری دارد و از نظر اعتبارات اجتماعی و عرفی دارای منزلت کم‌تری است؛ به‌همین دلیل، کاری پرزحمت و کم‌سود و در عین حال پر خیر و برکت است. از این رو، انتخاب چنین فعالیتی برای آن حضرت کاملاً بر طبق قاعده است؛ زیرا او همواره از میان دو کاری که هر دو مورد رضایت پروردگازند کاری را انتخاب می‌کرد که تحمل زحمات آن دشوارتر بود.

عمده فعالیت‌های اقتصادی امام (ع) در دوره خلفا در منطقه «ینبع»^۱ بود. هم‌چنین از اشاره‌هایی که در وقف‌نامه‌ها و گزارش‌های معطوف به فعالیت‌های اقتصادی امام علی (ع) وجود دارد چنین به‌دست می‌آید که آن حضرت علاوه بر ینبع در نواحی متعدد دیگری از مدینه فعالیت‌های عمرانی مانند حفر چاه‌ها و احداث مزارع و نخلستان‌ها داشته است. در وقف‌نامه‌ای که حضرت به‌دست خود نگاشته است، به اموالی در وادی القری، وادی ترعه، و وادی اذنیه اشاره شده است. زمین‌های دیگری نیز در نواحی گوناگون حجاز وجود داشته که امام در آن‌ها فعالیت می‌کرده که پس از شهادت به فرزندان‌شان رسیده یا جزء موقوفات ایشان است^۲ (ابن شبهه، ۱۴۱۰: ج ۱، ۲۳۵).

ب) هدایا: پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه با علی (ع) عقد اخوت بست و به این ترتیب زندگی آن دو بزرگوار بیش از پیش به هم گره خورد. یکی از راه‌های تأمین معاش امام علی (ع) هدایایی بود که مردم مدینه به پیامبر (ص) تقدیم می‌کردند. چنان‌که گاهی امام علی (ع) نیز متقابلاً آن حضرت را از درآمدهای خود بهره‌مند می‌کرد (السهمودی، ۱۴۱۹: ج ۱، جزء ۱، ۲۶۶-۲۶۸).

ج) فیه و خمس: خمس یک‌پنجم مازاد درآمد سالانه و حق مالی است که باید از موارد معینی مانند غنایم جنگی و معادن اخراج شود و فیه عبارت است از اموالی که بدون جنگ و لشکرکشی از کفار به غنیمت گرفته می‌شود. بنا به حکم صریح قرآن کریم،

یکی از موارد مصرف خمس و فیء خویشاوندان پیامبر اکرم (ص) هستند (انفال: ۴۱ و حشر: ۷).^۳ بر همین اساس، رسول خدا (ص) پس از جمع‌آوری غنایم، ابتدا خمس را از آن اخراج می‌کرد و سهمی از آن را به نزدیکان خود از بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب می‌داد. چنان‌که در غزوه بدر رسول خدا (ص) یک شتر از بابت خمس به علی (ع) داد (البخاری، ۱۴۲۵: ج ۳، ۱۱۲۵). پیامبر اکرم (ص) غنایم بنی‌نضیر را، که بدون جنگ به تصرف درآمده بود، بین مهاجران اولیه و دو تن از انصار تقسیم کرد و این تقسیم شامل امام (ع) نیز شد. یکی از موارد عمده تقسیم فیء، که به‌گونه‌ای به امام (ع) نیز مربوط می‌شد، اعطای زمین‌های فدک از جانب رسول خدا (ص) به فاطمه (س) است. این زمین‌ها پس از جنگ خیبر، بدون جنگ، به تصرف پیامبر اکرم (ص) درآمد و از موارد فیء و ملک خاص آن حضرت به‌شمار می‌آمد. چنان‌که در روایات اهل سنت نیز نقل شده است: وقتی که آیه «وآت ذالقریبی حقه» نازل شد، رسول خدا (ص) فاطمه را خواست و فدک را به او عطا فرمود (السیوطی، ۱۴۲۱: ج ۵، ۲۷۳). افزون بر این، رسول خدا (ص) چند مورد از اموال خاص خود را بر فاطمه (س) وقف کرد. کلینی اسامی این موارد را، که هفت باغ در اطراف مدینه بوده‌اند، به این شرح ذکر کرده است: «الدلال، و العواف والحسنی و الصافیة و مالأم ابراهیم و المیشب و البرقة» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ۲۳۵).

د) غنایم جنگی: یکی از موارد عمده این درآمدها غنایم جنگی بود. پیامبر اکرم (ص) معمولاً غنایم جنگی را، پس از کسر هزینه‌های جانبی و اخراج خمس، بین مجاهدان فاتح تقسیم می‌کرد. امام علی (ع) در تمام غزوات عصر پیامبر (ص)، به‌جز جنگ تبوک که جانشین پیامبر (ص) در مدینه بود و نتوانست در جهاد شرکت کند، حضور داشت. بنابراین از سال دوم قمری به بعد، یکی از منابع درآمد امام علی (ع) سهم ایشان از غنایم جنگی بوده است. مقدار درآمدی که از این ناحیه به دست می‌آمد ناچیز بود، اما با توجه به فقر شدید حاکم بر آن زمان بسیار تعیین‌کننده بود. در زمان حکومت امام علی (ع)، تقریباً درآمدی از غنایم جنگی وجود نداشت؛ زیرا تمامی جنگ‌های آن حضرت جنگ‌های داخلی بود که بین دو طایفه از مسلمانان درمی‌گرفت و براساس حکم صریح امام اسارت گرفتن نفرات و به غنیمت گرفتن اموال پشت جبهه دشمن در این جنگ‌ها جایز نبود. بنابراین می‌توان گفت از سهم غنایم جنگی در این دوره درآمدی نصیب امام نشد.

ه) **سهم سرانه از بیت‌المال:** در زمان خلافت ابوبکر، سهم امام از خمس و فیه پرداخت نمی‌شد، اما سهم ایشان از بیت‌المال به اندازه دیگران پرداخت می‌شد. پس از به حکومت رسیدن امام علی (ع)، ایشان نیز در تقسیم بیت‌المال ترجیح و تفاضلی میان آحاد مردم قائل نبود و درآمد بیت‌المال را به‌طور مساوی میان آنها تقسیم می‌کرد. سهمی که امام از این بابت برای خود در نظر گرفته بود همانند سهم بقیه مردم بود و بیش‌تر اوقات به نفع نیازمندان از آن صرف‌نظر می‌کرد. در زمان خلیفه دوم، وقتی که مسئله چگونگی تعیین حقوق خلیفه از خزانه عمومی مطرح شد و عمر در این باره با اصحاب پیامبر (ص) مشورت کرد، امام علی (ع) به جواز ارتزاق خلیفه و عائله او در حد متعارف از بیت‌المال حکم کرد و این حکم با اجماع اصحاب پذیرفته شد؛ عمر نیز بر همین اساس عمل کرد. اما عثمان هر گونه بذل و بخشش و تصرف در بیت‌المال را برای خود جایز می‌شمرد و اموال زیادی از بیت‌المال مسلمانان را به خود اختصاص داده بود. امام علی (ع) پس از تصدی خلافت، برای اصلاح انحرافات دوره عثمان، هر گونه ارتزاق از بیت‌المال را بر خود منع کرد و در میان مردم اعلام کرد: «أنتی والله لا ازراکم من فیئکم درهماً ما قام عذق بیثرب ...: به خدا قسم من از بیت‌المال شما درهمی برای خود برنخواهم گرفت مادامی که یک درخت خرما در مدینه داشته باشم» (ابن شعبه، ج ۲، ۱۵۱). امام (ع) این مطلب را به اهل کوفه نیز اعلام کرد و فرمود:

یا اهل الکوفه! اذا انا خرجت من عندکم بغیر رحلی و راحلتی و غلامی فأنا خائن ...: ای مردم کوفه! اگر من با چیزی به جز زیراندازم و مرکب و خدمت‌کارم از میان شما خارج شدم، پس خیانت‌کار خواهم بود (ابی هلال الثقفی، ۱۳۵۳: ج ۱، ۶۸).

و) **درآمد ناشی از اقطاع:** در نظام مالی اسلام، ثروت‌های طبیعی مانند زمین‌های موات و معادن در مالکیت دولت اسلامی است. یکی از شیوه‌های مدیریت این ثروت‌ها، در صدر اسلام، اقطاع (واگذاری به بخش خصوصی) بوده است. رسول خدا (ص) در موارد متعددی، که در کتب تاریخ و سیره به تفصیل ذکر شده است، زمین‌ها و یا معادنی را به برخی از اصحاب خود اقطاع کرده است. از جمله این موارد اقطاع چند زمین به امام علی (ع) است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

پیامبر اکرم (ص) چهار قطعه زمین به امام علی (ع) اقطاع فرمود؛ دو زمین به نام فقیرین، و بئرقیس و الشجره. در برخی روایات نیز به اقطاع زمینی در منطقه "ینبع" از جانب رسول خدا (ص) به امام علی (ع) اشاره شده است (السهمودی، ۱۴۱۹: ج ۲، ۱۳۳۴).

۲.۲ رفتار مصرفی

امام علی (ع) ادامه‌دهنده و پاسدار سیره پیامبر بود و در ساده‌زیستی نیز از آن حضرت پیروی می‌کرد. امیر مؤمنان (ع) در خطبه‌ای، که ساده‌زیستی پیامبر را توصیف می‌کند، بلافاصله سیره ساده‌زیستی خود را بیان می‌کند تا کسی گمان نکند که آن حضرت مشی دیگری را، جز آنچه پیامبر داشته، دنبال می‌کرده است و آن‌چه را نیک می‌داند و مدح می‌کند، عمل نمی‌کند؛ از این رو، در پایان سخن خویش می‌فرماید:

وَاللَّهِ لَقَدْ رَفَعْتُ مِدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا. وَ لَقَدْ قَالَ لِي قَائِلٌ أَلَا تَبِيدُهَا؟ فَقُلْتُ: اغْرُبْ عَنِّي، فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يُحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى: به خدا سوگند که این جامه پشمین خود را آن‌قدر وصله کردم که از وصله‌کننده آن شرم دارم. کسی به من گفت: آن را دور نمی‌افکنی؟ گفتم: از من دور شو! صبحگاهان رهروان شب ستایش می‌شوند (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۶۰).

امیر مؤمنان (ع) بر خود بسیار سخت می‌گرفت و خود را مراقبت می‌کرد. در نگاه امام، رضایت خداوند یگانه هدفی است که ارزش ذاتی و اصیل دارد و همه اهداف میانی باید در مسیر رسیدن به آن اتخاذ شوند. رضایت خداوند انگیزه نیرومندی است که علی (ع) را در شدت گرمای روز به تلاش اقتصادی وامی‌دارد، در حالی که، شخصاً هیچ نیازی به محصول آن ندارد.

امام صادق (ع) از حضرت باقر (ع) چنین روایت کرده است: علی (ع) در کوفه به مردم نان و گوشت می‌خوراند و خود طعامی جداگانه داشت؛ بعضی گفتند: کاش می‌دیدیم که خوراک امیر مؤمنان چیست؟ پس عده‌ای سرزده به حضور امام رسیدند، غذای او چنین بود: تریدی از نان خشکیده خیسیده به روغن که با خرما می‌فشرده آمیخته شده بود و آن خرما را از مدینه برای وی می‌آوردند.

زندگی امام علی (ع) این‌گونه بود و خوراک و پوشاکش مانند ضعیف‌ترین مردم و هرگز از این سیره نیکو دست برداشت (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۳۰۵).

امام باقر (ع) در توصیف ساده‌زیستی امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: به خدا سوگند که علی (ع) هم چون بنده خوراک می‌خورد و هم چون بنده می‌نشست و اگر دو پیراهن می‌خرید، پیراهن بهتر را به غلام خود می‌داد و خود آن دیگری را بر تن می‌کرد و اگر پیراهن از انگشتان دست یا قوزک پایش درمی‌گذشت آن را می‌برید ... و اگر می‌خواست به مردم غذا

بدهد، نان و گوشت به آنان می‌خوراند و به خانه خود می‌رفت و نان جوین را با روغن زیتون و سرکه تناول می‌کرد (همان).

هم‌چنین از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: علی (ع) هزار برده را از مال خود، که نتیجه دسترنج و عرق پیشانی‌اش بود، به‌خاطر خدای بزرگ (و خشنودی او) و رستن از آتش دوزخ آزاد کرد و خوراکش جز سرکه و روغن زیتون نبود، و شیرینی او فقط همان خرما بود، آن هم اگر می‌یافت و جامه‌اش کرباس بود، و هرگاه چیزی از آن جامه زیاد می‌آمد قیچی می‌خواست و آن را قیچی می‌کرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۳۰۷).

امیر مؤمنان (ع) لباسی از کرباس (نوعی چلووار خشن) به تن می‌کرد، به ساده‌ترین خوراک بسنده می‌کرد، و ساده‌ترین روش را در رفت‌وآمد و نشست و برخاست و زمام‌داری پاس می‌داشت. پنج سال حکومت کرد، نه خانه‌ای برای خود به پا کرد و نه چیزی از دنیا اندوخت. از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: علی (ع) پنج سال زمام‌داری کرد که در آن خشتی بر خشت نهاد، تیولی به خود اختصاص نداد، و سرخ و سفیدی (زر و سیمی) به میراث نگذاشت (همان: ۳۰۸).

امیر مؤمنان (ع)، در مقام زمام‌دار، به مردم خویش چنین فرمود: با این جامه مندرس به سرزمین شما آمدم و بار و بنه‌ام همین است که می‌بینید، اکنون اگر از سرزمین شما با چیزی جز آنچه با آن آمده‌ام بیرون روم، از خیانت‌کاران خواهم بود (همان: ۳۱۰).

آن حضرت با وجود مشغله فراوان در دوران زمام‌داری‌اش، خود مایحتاج زندگی خانواده‌اش را تهیه می‌کرد و به‌دست خود آن را حمل می‌کرد. «ابن شهر آشوب» چنین نقل می‌کند: علی (ع) در کوفه مقداری خرما خرید و آن را در گوشه بالاپوش خود حمل کرد. برخی از مردم پیش آمدند تا آن را برای حضرت حمل کنند و گفتند: ای امیر مؤمنان، ما آن را برایتان حمل می‌کنیم. پس فرمود: عیالوار خود سزاوارتر به حمل بار خویش است (همان: ۳۱۸).

در اسلام، به برآوردن نیازهای خانواده سفارش اکید شده و احادیث گوناگونی در گشاده‌دستی برای اهل خانه از پیامبر اکرم (ص) و ائمه نقل شده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «بخشنده باش نه با تبذیر، و اندازه نگهدار، و بر خود سخت مگیر» (فیض‌الاسلام، ۱۳۵۱: حکمت ۳۲) و هنگامی که یاران به سخت‌گیری امام بر خود اعتراض کردند، فرمود: «خداوند بر پیشوایان حق واجب شمرده که بر خود سخت گیرند و هم‌چون طبقه ضعیف مردم باشند، تا نداری فقر او را به ستوه نیاورد که سر از فرمان خداوند برتابد».^۴

رسیدگی به محرومان و بخشش به نیازمندان واقعی از ویژگی‌های زندگی علی (ع) است و همواره به امور افراد بی‌سرپرست و ناتوان رسیدگی و به رسیدگی به این افراد سفارش می‌کرد. همان‌گونه که در قرآن کریم نیز آمده است: «و فی اموالهم حق للسائل و المحروم» (ذاریات: ۱۹). البته علی (ع) فقر را زائیده روابط و مناسبات ناعادلانه اجتماعی می‌داند و می‌فرماید: «پس فقری گرسنه نماند جز آنکه توانگری از حق او خود را به نوابی رساند» (نهج‌البلاغه: حکمت ۳۲۹).

۳.۲ انگیزه فعالیت اقتصادی

اهداف و انگیزه‌ها در شکل دادن به رفتار اقتصادی انسان مهم‌ترین تأثیر را دارند. تصمیم به کار، تنظیم میزان ساعات کار و فراغت، انتخاب شغل، میزان تولید، و نوع کالای تولیدی به‌طور مستقیم تحت تأثیر کار و تولید تعیین می‌شوند. معیشت در دین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و در قرآن و روایات اهمیت زیادی به کسب و کار، به‌دست آوردن روزی حلال، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، و هم‌چنین پرهیز از فقر و گوشه‌گیری داده شده است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید:

من آفریده نشدم که خوردن خوراکی‌های پاکیزه مرا به خود مشغول دارد، هم‌چون حیوان پرواری که تمام همش علف است، و یا هم‌چون حیوان ره‌اشده‌ای که شغلش چریدن و خوردن و پر کردن شکم است و از سرنوشتی که در انتظار اوست بی‌خبر است. آیا بیهوده و عبث آفریده شده‌ام؟ (نهج‌البلاغه: نامه ۴۶).

ابن ابی‌الحدید درباره کار او می‌نویسد:

امیرالمؤمنین علی (ع) برای درختان خرما می‌گروهی از یهودیان مدینه با دست‌ان خود آب می‌کشید تا حدی که دستانش تا اول می‌زد و دست‌مزد خود را صدقه می‌داد و بر شکم خود (از گرسنگی) سنگ می‌بست (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۲).

رسول خدا (ص) یکی از صفات فرد باایمان را کم‌هزینه و پرکمک بودن او دانسته است. امام نیز در خطبه متقین در نهج‌البلاغه درباره صفات متقین تعبیر مشابهی به‌کار برده است: «نفسه منه فی عناء و الناس منه فی راحة» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۹۳). امام علی (ع) مظهر چنین صفتی است. او در حالی که با کار و تلاش طاقت‌فرسا محصول فراوانی تولید می‌کرد، برای خود سهم چندانی از این محصول قائل نبود و تقریباً همه آن را انفاق می‌کرد.

ایجاد اشتغال از دیگر انگیزه‌های فعالیت اقتصادی امام علی (ع) بود. امام صادق (ع) می‌فرماید: «با دست خویش بیل می‌زد و زمین را آباد می‌کرد و هر زمین که آباد می‌کرد عده‌ای را به کار می‌گرفت و آنگاه زمین دیگر و ...» (الکلینی، ۱۴۰۱: ج ۵، ۷۴). ثمره این تلاش‌ها در اواخر عمر حضرت، چنان‌که از وصیت‌نامه ایشان برمی‌آید، اشتغال ده‌ها و بلکه صدها نفر در آن مزارع و کشت‌زارها بود (الکلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ۴۹).

۳. رفتار اقتصادی دولت اسلامی

۱.۳. وظایف فردی دولت‌مردان در اقتصاد اسلامی

امیر مؤمنان درباره مسئولیت زمام‌داران فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِخَلْقِهِ، فَفَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَمَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَمَلْبَسِي كَضَعَاءِ النَّاسِ، كَمَا يَقْتَدِي الْفَقِيرُ بِفَقْرِي، وَلَا يَطْغَى الْغَنِيُّ بِغِنَاهُ» (نهج‌البلاغه: نامه ۴۵)؛ همانا خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده و بر من واجب کرده است که درباره خودم (زندگی شخصی و رفتارم) و خوراک و پوشاکم مانند مردم ناتوان عمل کنم، تا اینکه فقیر به سیره فقیرانه من تاسی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان نکند. هم‌چنین روایت کرده‌اند که امام علی (ع) فرمود: «عَلَى أُمَّةِ الْحَقِّ أَنْ يَتَأَسَّوْا بِأَضْعَفِ رَعِيَّتِهِمْ حَالًا فِي الْأَكْلِ وَاللَّبَاسِ وَلَا يَتَمَيِّزُونَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ لَا يَقْدِرُونَ عَلَيْهِ لِيَرَاهُمُ الْفَقِيرُ فَيَرْضَى عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِمَا هُوَ فِيهِ وَيَرَاهُمُ الْغَنِيُّ فَيَزِدَادُ شُكْرًا وَتَوَاضَعًا» (ری‌شهری، ۱۳۸۴: ج ۱، ۱۲۳)؛ بر پیشوایان حق [واجب] است که از نظر خوراک و پوشاک به حال ناتوان‌ترین رعیتشان تاسی کنند، به‌طوری که در چیزی که آنان قدرتش را ندارند، امتیازی بر ایشان نداشته باشند، تا فقیر آنان را مشاهده کند و خداوند را برای آنچه دارد شاکر باشد و ثروتمند آنان را مشاهده کند و شکورتر و متواضع‌تر شود.

ساده‌زیستی رهبران و زمام‌داران دو پیامد مثبت دارد و رعایت نکردن آن دو خطر بزرگ. در حالت نخست، فقیر با دیدن زندگی رهبران و زمام‌داران و تأمل در اوضاع و احوال و راه و رسم ساده آنان می‌تواند زندگی آمیخته به فقر خویش را به‌راحتی تحمل کند و احساس تبعیض و ستم نکند تا زمانی که فقر از همه جامعه زدوده شود و در این صورت ثروتمندان جامعه گستاخ نمی‌شوند و طغیان نمی‌کنند و طبیعی است که در صورت دوم یعنی در جامعه‌ای که حاکم اسلامی و زمام‌داران کاخ‌نشین باشند و از راه و رسم ساده‌زیستی بیرون شوند، تبعیض و ستم بیداد خواهد کرد و انسان‌های فقیر و مستضعف تحملشان طاق می‌شود و دیگر نمی‌توانند صبر کنند؛ هم‌چنین ثروتمندان گستاخ می‌شوند و طغیان می‌کنند

و دست به چپاول می‌زنند. پس رهبران و زمام‌داران خردمند هرگز از سیره ساده‌زیستی بیرون نمی‌شوند و اجازه نمی‌دهند کارگزارانشان به تبعیض و اشرافیت میل کنند.

امیر مؤمنان (ع) چنان درباره رعایت این اصل از جانب کارگزاران خود حساس بود که وقتی به آن حضرت گزارش رسید که «عثمان بن حنیف»، کارگزار او در بصره، به مهمانی یکی از ثروتمندان بصره رفته است که در آن مهمانی غذاهای رنگارنگ تدارک شده و جای فقرا خالی بوده است، او را سخت سرزنش کرد و بدو چنین نوشت: اما بعد، ای پسر حنیف! به من گزارش داده‌اند که مردی از جوانان بصره تو را به خوان میهمانی‌اش دعوت کرده است و تو بدانجا شتافته‌ای. خوردنی‌های نیکو برایت آورده‌اند و پی‌درپی کاسه‌ها پیشت نهاده‌اند. گمان نمی‌کردم تو میهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان به جفا رانده شده و بی‌نیازشان دعوت شده. به آنچه می‌خوری بنگر [آیا حلال است یا حرام؟] آنگاه آنچه حلال بودنش برای تو مشتبه بود از دهان ببنداز و آنچه را یقین به پاکیزگی و حلال بودنش داری تناول کن. آگاه باش که هر پیروی پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند و از نور دانش او روشنی جوید. بدان که پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو گرده نان بسنده کرده است. بدانید که شما چنین نتوانید کرد، لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و کوشیدن و پاکدامنی و درستی ورزیدن. به خدا سوگند من از دنیای شما زر و سیمی نیندوخته‌ام و از غنیمت‌ها و ثروت‌های آن مالی ذخیره نکرده‌ام و برای این جامه فرسوده‌ام بدلی مهیا نساخته‌ام و از زمین آن حتی یک وجب در اختیار نگرفته‌ام و از این دنیا بیش از خوراکی مختصر و ناچیز برنگرفته‌ام. این دنیا در چشم من بی‌ارزش‌تر و خوارتر از دانه‌ای تلخ است که بر شاخه درخت بلوطی بروید. آری، از آنچه آسمان بر آن سایه افکنده فقط فدک در دست ما بود که مردمی بر آن بخل ورزیدند و مردمی سخاوتمندان از آن دیده پوشیدند و بهترین داور پروردگار است و مرا با فدک و جز فدک چه کار است؟ در حالی که، جایگاه فردای آدمی گور است که در تاریکی آن نشانه‌هایش ناپدید و اخبارش نهان می‌شود، در گودالی که اگر گشادگی آن بیفزاید و دست‌های گورکن فراخش کند، سنگ و کلوخ آن را بیفشارد و خاک انباشته رخنه‌هایش را به هم آرد. من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم [و رام می‌کنم] تا در روزی که پریم‌ترین روزهاست در امان وارد شود و در آنجا که همه می‌لغزند پایدار ماند. اگر می‌خواستم می‌توانستم از عسل خالص و مغز گندم و بافته ابریشم برای خود خوراک و پوشاک تهیه کنم، اما هرگز هوا و هوس بر من چیره نخواهد شد و حرص و طمع مرا به گزیدن خوراک‌ها نخواهد کشید. در حالی که، ممکن است در سرزمین «حجاز» یا «یمامه» کسی باشد که حسرت گرده نانی برد یا هرگز

شکمی سیر نخورد، آیا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته و جگرهایی سوخته؟ یا چنان باشم که آن شاعر گفته است: این درد تو را بس که شب سیر بخوابی و گرداگردت شکم‌هایی گرسنه و به پشت چسبیده باشد. آیا بدین بسنده کنم که مرا امیر مؤمنان گویند و در ناخوشایندی‌های روزگار شریک آنان نباشم؟ یا در سختی‌های زندگی برایشان نمونه نباشم؟ مرا نیافریده‌اند تا خوردنی‌های گوارا سرگرم کند، چون چهارپای بسته که به علف پردازد؛ یا هم‌چون حیوان رهاشده‌ای که کارش چریدن و خوردن و پر کردن شکم است و از سرنوشتی که در انتظار اوست بی‌خبر است؛ آیا بیهوده یا مهمل و عبث آفریده شده‌ام؟ آیا باید سررشته‌دار ریسمان گمراهی باشم؟ و یا در راه سرگردانی رهسپار گردم؟ و چنان می‌بینم که گوینده‌ای از شما گوید: اگر این خوراک پسر ابوطالب است باید هم‌اکنون نیرویش به سستی گراییده باشد و از مبارزه با همتایان و نبرد با شجاعان بازماند. بدانید درختی که در بیابان خشک روید چوبش محکم‌تر است و سبزه‌های خوش‌نما پوستش نازک‌تر و رستنی‌های صحرایی را آتش افروخته‌تر است و خاموشی آن دیرتر. پس ای پسر حنیف! از خدا بترس و به همان گرده‌های نانت بسنده کن تا رهایی تو از آتش دوزخ امکان‌پذیر باشد (بہج البلاغہ: نامہ ۴۵).

در سیرۀ پیشوایان حق، ساده‌زیستی ارزشی گران‌قدر است، تا جایی که امیر مؤمنان علی (ع) قناعت را بالاترین دارایی انسانی، بلکه حیات پاکیزه و نیکو، معرفی کرده و فرموده است: «كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا، وَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا» (بہج البلاغہ: حکمت ۲۲۹)؛ ملک قناعت، و نعمت حسن خلق برای انسان کافی است.

در جمع‌بندی می‌توان دیدگاه پیشوایان دینی را درباره رفتار مصرفی دولت‌مردان و مردم در سه محور ذیل خلاصه کرد:

۱. در دیدگاه پیشوایان معصوم (ع)، ساده‌زیستی، قناعت، کم‌هزینه بودن، و پرکار بودن در نظام اسلامی ارزشی گران‌سنگ است و ایشان همواره از آن به‌مثابه ارزشی والا یاد کرده است و از کسانی که ساده‌زیست، قانع، کم‌هزینه، و پرکار بوده‌اند به بزرگی یاد کرده و آنها را ستوده است.

۲. امام (ع)، چه در جایگاه فردی و چه در جایگاه حکومتی، رسیدگی به محرومان و بخشش به نیازمندان واقعی را بر خود مقدم می‌دارد و همواره ایشان و حتی خدمت‌گزاران خود را در خوراک و پوشاک بهتر سزاوارتر از خود می‌دانست. آنان که خوی الهی پیدا کردند، این‌گونه شدند که روابط الهی - انسانی چنین است و بندگان محبوب خدا آنانند که بیش‌ترین سود را برای مردم و خلق خدا داشته باشند.

۳. در دیدگاه امام، رسیدگی به امور خانواده اهمیت فراوانی دارد. امام انفاق و صدقه بر خانواده را بر هر بخششی سزاوارتر دانسته است.

۴. سفارش به ساده‌زیستی در بیان امام (ع) بارز است، اما این توصیه برای مردم عادی جنبه اخلاقی دارد و برای حاکمان و والیان دستور است و آنها را بدین امر فرمان می‌دهد که مانند ضعیف‌ترین مردم زندگی کنند.

امیر مؤمنان علی (ع) همواره بر ساده‌زیستی رهبران، زمام‌داران، و کارگزاران تأکید می‌فرماید و به کسانی که الگوی مردم شمرده می‌شوند فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدِرُوا أَنْفُسَهُمْ بضعَةَ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ» (نهج‌البلاغه: خطبه ۲۰۹)؛ خدای متعال بر پیشوایان دادگر واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندی تنگ‌دست را پریشان و نگران نکند.

۲.۳ وظایف اجتماعی دولت در اقتصاد اسلامی

امیر مؤمنان علی (ع) در ابتدای عهد مالک‌اشتر وظایف کلان حکومت را مشخص کرده و وی را درباره آن توجیه کرده است. این وظایف و مأموریت‌های کلان در چهار حوزه تعریف شده است:

الف) حوزه مالی (جَبَايَةِ خَرَاجِهَا)؛

ب) حوزه نظامی (جِهَادِ عَدُوِّهَا)؛

ج) حوزه اجتماعی - سیاسی (اسْتِصْلَاحِ أَهْلِهَا)؛

د) حوزه عمرانی (عِمَارَةِ بِلَادِهَا).

در دیدگاه امام، بر کسی که در جایگاه اداره امور قرار می‌گیرد لازم است وظایف و مأموریت‌های اصلی خود را بشناسد و اهتمام خویش را بدان‌ها معطوف کند و از پرداختن به امور بی‌ربط به حوزه وظایف و مأموریت‌هایش پرهیز کند. امام علی (ع) فرموده است: «يُسْتَدَلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْأَصُولِ، وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ، وَ تَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ، وَ تَأْخِيرِ الْأَفَاضِلِ» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۹: ۷۶)؛ چهار چیز نشانه به‌سر آمدن دولت‌هاست: فرو گذاشتن اصول و چسبیدن به فروع، مقدم داشتن فرومایگان، و عقب زدن مردم بافضیلت و لایق.

امیر مؤمنان علی (ع) در اداره امور، گذشته از آنکه وظایف و مأموریت‌های اصلی را مشخص می‌کرد و از کارگزاران خود می‌خواست که آن‌ها را به‌درستی پیگیری و اجرا کنند،

بر این امر دقت می‌ورزید که آنان مشغول امور فرعی و بی‌ارتباط به وظایف و مأموریت‌هایشان نشوند.

به‌طور کلی، امام تأمین عدالت، امنیت، رفاه، و تربیت مردم را اصلی‌ترین وظیفه حکومت می‌داند. از نظر ایشان، کوتاهی حکومت اسلامی در هر یک از این موارد قابل چشم‌پوشی نیست.

۳.۳ منابع درآمد دولت در اقتصاد اسلامی

۱.۳.۳ مالیات

اولین منبع اصلی درآمد دولت در اقتصاد اسلامی «مالیات» است. از اساسی‌ترین کارها در سامان یافتن حکومت توجه درست به مالیات و برنامه‌ریزی مالیاتی است که مهم‌ترین پشتوانه و کارسازترین وسیله برای پیش‌برد اهداف اقتصادی - اجتماعی و تحقق عدالت اقتصادی است. از این رو، علی (ع) به توجه به آن و برنامه‌ریزی برای آن تأکید کرده است. از نظر امام (ع)، مهم‌ترین تکیه‌گاه مالی حکومت مالیات است، که در صورت برنامه‌ریزی صحیح و رونق اقتصادی وضع همگان به سامان خواهد بود. بنابراین جامعه بیش‌تر باید با مالیات اداره شود، البته در صورت برخورداری از نظام مالیاتی توانا، پرتحرک، منعطف، و متناسب.

در اقتصاد اسلامی، نظام مالیاتی ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر نظام‌های مالیاتی متمایز می‌کند. در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) مبتنی بر بررسی دقیق و برنامه‌ریزی: لزوم توجه به برنامه‌ریزی مالیاتی را می‌توان در فرازی از فرمان امیرالمؤمنین به مالک‌اشتر برداشت کرد: «تَفَقَّدْ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ، فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَصَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ، وَ لَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ؛ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَأَهْلُهُ» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳)؛ در کار خراج بررسی کن و چنان بنگر که کار خراج‌گزاران را به سامان رساند، زیرا به سر و سامان رسیدن کار خراج و خراج‌گزاران، به سر و سامان رسیدن دیگران است، و کار دیگران به سر و سامان نمی‌رسد مگر به وسیله خراج‌گزاران؛ برای اینکه مردم همگی روزی خوارانی‌اند بارشده بر خراج و خراج‌گزاران؛

ب) تناسب مالیاتی: نظام مالیاتی باید به گونه‌ای سامان یابد که قدرت مالی آن تابع قدرت مالی مالیات‌دهندگان باشد. نظام مالیاتی باید به سامان وضع خراج‌گزاران معطوف باشد، زیرا فارغ از آن نظام مالیاتی و به سامانی اجتماعی بی‌معناست؛

ج) هدف‌گیری بهبود وضعیت اقتصادی مردم: جهت‌گیری‌ای که امام علی (ع) برای یک نظام مالیاتی مطرح کرده این است که نظامی مبتنی بر بهره‌مند کردن مالیات‌دهندگان باشد و بیش از آنکه درصدد کسب مالیات باشد در جهت بهبود اوضاع اقتصادی مالیات‌دهندگان عمل کند. وی درباره هدف از اخذ مالیات فرموده است: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ؛ وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بغيرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ، وَاهْلَكَ الْعِبَادَ، وَلَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا» (همان)؛ و [بدان که] باید نگرش تو در آبادانی زمین رساتر از نگرش تو به گرفتن خراج باشد، زیرا خراج تنها با آبادانی است که به‌دست می‌آید؛ و هرکس که بی‌آباد ساختنی درخواست خراج کند، سرزمین‌های کشور را به ویرانی اندازد، و بندگان خدا را به نابودی کشاند، و جز اندکی کار او راست نیاید.

در نظر امیر مؤمنان علی (ع)، نظام مالیاتی صحیح نظام مالیاتی بهره‌ور است نه نظام مالیاتی بهره‌کش. در نظام مالیاتی بهره‌کش، دستگاه مالیاتی صرفاً به‌دنبال گردآوری مالیات و تأمین درآمد است، از این رو، پویایی، انعطاف، و برنامه‌ریزی جامع ندارد. چنین نظامی مالیاتی‌ای در پی درآمد بدون درآمدزایی است و حاصل چنین رویکردی جز تباهی چیزی نیست؛

د) انعطاف: نظام مالیاتی منعطف دستوری عمل نمی‌کند و کاملاً اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی را می‌سنجد و با توجه به آن برنامه‌ریزی می‌کند و در صورتی که اوضاع اقتصادی نابه‌سامان باشد در دستورالعمل‌های مالیاتی آن را لحاظ می‌کند. این نظام مالیاتی بهره‌ور محسوب می‌شود. این انعطاف تابع وضعیت مالیات‌دهندگان است، تا آن‌جا که کار آنان به‌سامان رسد. از جمله خصوصیات نظام مالیاتی منعطف امکان بخشودگی مالیاتی است. امکان بخشودگی‌های مالیاتی در نظام مالیاتی منعطف نشانه خردمندی و عدالت‌ورزی حکومت است. از منظر مدیران نظام مالیاتی بهره‌ور، بخشودگی‌های مالیاتی زیان شمرده نمی‌شود، بلکه جزئی ناخواسته در برنامه‌های پیش‌بینی شده است؛ از این رو، کاملاً واقع‌بینانه با آن روبه‌رو می‌شوند و آن را زمینه اقدامات مثبت آینده قرار می‌دهند.

از ویژگی‌های نظام مالیاتی مطلوب در نگاه امام علی (ع)، امکان بخشودگی مالیاتی افراد ناتوان است. وی در این باره فرموده است: «فَإِنْ شَكَّوْا ثِقَلًا أَوْ عِلَّةً، أَوْ انْقِطَاعَ شَرْبِ أَوْ بَالَةٍ، أَوْ إِحَالَةَ أَرْضٍ اغْتَمَرَهَا غَرَقٌ، أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ، خَفَّفْتَ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجُّوْا أَنْ يَصْلُحَ بِهِ أَمْرُهُمْ؛ وَلَا يَتَقَلَّنَ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّفْتَ بِهِ الْمُؤَنَّةَ عَنْهُمْ، فَإِنَّهُ دُخْرٌ يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ، وَتَرْزِيقِ وَلَا يَتِيكَ، مَعَ اسْتِجْلَابِكَ حُسْنِ ثَنَائِهِمْ، وَتَبَجُّحِكَ بِاسْتِفَاضَةِ الْعَدْلِ فِيهِمْ، مُعْتَمِدًا فَضْلَ قُوَّتِهِمْ، بِمَا دَخَرْتَ عِنْدَهُمْ مِنْ إِجْمَامِكَ لَهُمْ، وَالثَّقَّةَ مِنْهُمْ بِمَا عَوَدْتَهُمْ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ وَرَفِيقِكَ بِهِمْ، فَرُبَّمَا

حَدَّثَ مِنَ الْأُمُورِ مَا إِذَا عَوَّلْتَ فِيهِ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ احْتِمَالِهِ طَيِّبَةً أَنْفُسُهُمْ بِهِ؛ فَإِنَّ الْعُمَرََانَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتَهُ» (همان)؛ پس اگر از سنگینی [خراج] یا آسیبی، یا بریده شدن آبیاری زمینی، یا آب زیاد رسیدنی، یا دگرگونی زمینی که آب بسیار آن را در خود فرو برده است، یا تشنگی به آن زیان رسانیده است، شکایت کردند، به اندازه‌ای در پرداخت خراج بدانان تخفیف می‌دهی که امیدوار شوی بدان وسیله کارشان به سامان می‌رسد؛ و سبک گردانیدن بار هزینه از آنان، به هیچ‌روی نباید بر تو سنگین آید، زیرا این کار اندوخته‌ای است که در آباد کردن سرزمینت، ستایش نیکوی آنان را هم به سوی خود می‌کشی، و به گسترش خواهی دادگری در میان ایشان شاد می‌شوی، در حالی که با اندوختن آسایشی که از نظر آنان تو برایشان فراهم کرده‌ای، و اطمینان کردن آنان با عادت دادنشان به دادگری‌ات که در جهت همراهی به ایشان بر سرشان گسترده‌ای، آهنگ آن داشته‌ای که فزون‌تر نیروی‌شان را به دست آوری؛ پس چه بسا پیشامدی رخ نماید که پس از آن همراهی، از میان برداشتن آن را به ایشان واگذار کنی و آنان با روی خوش آن را بر دوش گیرند؛ زیرا آبادانی توان بر پشت برداشتن هر باری را که بر پشتش بگذاری دارد.

از نظر امام علی (ع)، بخشودگی‌های مالیاتی می‌تواند نتایج مفید و مثبت برای حکومت و مالیات‌دهندگان داشته باشد و زبانی که به‌ظاهر در درآمدهای حکومتی ایجاد می‌شود جبران خواهد شد:

۱. در نگاه امیر مؤمنان علی (ع) بخشودگی مالیاتی هزینه‌ای از میان‌رفته نیست، بلکه هم‌چون سرمایه‌ای ذخیره‌شده است که به دو صورت بازگشت می‌کند: افزایش انگیزه مالیات‌دهندگان در کار و تلاش و رونق اقتصادی؛

۲. چنین عملی پیوسته در خاطر مالیات‌دهندگان می‌ماند و حکومت را به نیک‌رفتاری می‌شناسند و آن را تأیید و تمجید می‌کنند؛

۳. حکومت با چنین اقدامی عدالت‌گستری کرده است که چیزی این اندازه بالارزش و موجب خشنودی نیست؛

۴. چنین بخشودگی مالیاتی، که برای آنان آسایش فراهم کرده و عملکرد عدالت‌گرایانه حکومت است، سبب اعتماد و اتکای حکومت به نیرومندی مالیات‌دهندگان می‌شود؛ بدین‌معنا که چون آنان قوت بگیرند، با جان و دل حکومت را یاری می‌دهند؛

۵. هر حکومتی در معرض گرفتاری قرار دارد و حکومتی که با مردمش به درستی و دادگری رفتار می‌کند و آسایش و رفاه آنان برایش اصلی مهم است در مواقع گرفتاری از حمایت خالص آنان بهره می‌برد؛

۶. در صورت آبادانی سرزمین و رونق اقتصادی جامعه، حکومت نیز از بهترین پشتوانه برای مالیات بهره‌مند می‌شود و هرچه رشد اقتصادی بیش‌تر باشد، برنامه‌های پیش‌رفت جامعه بهتر پیش می‌رود.

۱.۳.۳ خراج

یکی دیگر از منابع اصلی درآمد دولت در اقتصاد اسلامی در حکومت امام علی (ع) «خراج» بوده است.

خراج به مالی گفته می‌شود که مانند اجاره بر زمین خاصی وضع می‌شود. میزان خراج از نظر شرعی معین نشده است و به نظر امام و مصلحت مسلمین بستگی دارد. خراج شباهت زیادی به مالیات دارد، زیرا هم‌چون مالیات از طرف دولت برای حفظ نظام اسلامی بر صاحبان زمین‌های خاص وضع می‌شود. خراج جایگاه خاصی در سیاست‌های مالی حکومت علوی داشت، چون میزان خراج با نظر دولت اسلامی تعیین می‌شود، دولت می‌تواند با توجه به موقعیت، اهداف سیاسی، و مصالح جامعه اسلامی به تنظیم آن مبادرت کند (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۰: ج ۱۹، ۱۶۰).

در زمان حکومت امام علی (ع) خراج برای افراد، با توجه به میزان درآمد و امکانات آن‌ها، متفاوت بود. در زمان رسول خدا (ص) خراج زمین براساس درآمد زراعت تعیین شده بود، ولی عمر بن خطاب در دوران خلافتش خراج زمین را براساس مساحت آن قرار داد. علی (ع) روال دریافت خراج را مانند زمان پیامبر بر درآمد تعیین کرد و براساس میزان درآمدی که افراد داشتند، خراج گرفته می‌شد. فیه، زکات، و جزیه از دیگر درآمدهای زمان حکومت ایشان بوده است.

امام علی (ع) مهم‌ترین سیاست‌های خود را در نامه‌ای به مالک‌اشتر بیان کرده است. این فراز از نامه را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

«وَتَقَدُّ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ، فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَصَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ، وَ لَأَ صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ؛ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَأَهْلِهِ» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳)؛ و در کار خراج بررسی کن و چنان بنگر که کار خراج‌گزاران را به سامان رساند، زیرا به سر و سامان رسیدن کار خراج و خراج‌گزاران به سر و سامان رسیدن دیگران است، و کار دیگران به سر و سامان نمی‌رسد مگر به وسیله خراج‌گزاران؛ برای این‌که مردم همگی روزی خوارانی‌اند بار شده بر خراج و خراج‌گزاران.

۴.۳ مخارج دولت در اقتصاد اسلامی

۱.۴.۳ تأمین مالی سپاهیان

امام علی (ع) منبع تأمین مالی سپاهیان را «مالیات» معرفی کرده است. گذشته از آنکه مالیات در حکومت امام عمده‌ترین منبع درآمد مالی دولت بوده است، می‌توان به این موضوع توجه کرد که نوع منبع تأمین مالی در هر حوزه‌ای تأثیرگذار است و هر مجموعه انسانی بدان‌جایی که از آن تأمین مالی می‌شود، وابستگی می‌یابد. پس درست آن است که نیروهای نظامی، که برای حفظ حریم مردم و پاسداری سرزمینشان و دفع متجاوزان تشکیل شده‌اند، به همان مردم و منبع مالی ایشان وابسته باشند نه به منابع مالی دیگر. البته تأمین مالی سپاهیان باید چنان باشد که آنان هیچ‌گونه دغدغه مالی نداشته باشند و بتوانند با تمام توان پاسدار حریم مردم باشند. امیر مؤمنان علی (ع) برای تأمین مالی سپاهیان سه نقش بیان کرده است: یکی، نیرو گرفتن در جهاد با دشمن (يَقْوُونَ بِعِلْمِ اللَّهِ جِهَادًا وَعَدُوَّهُمْ)؛ دوم، سامان آوردن کار خود با تکیه بر تأمین مالی (يَعْتَمِدُونَ عَلَيْهِ فِيمَا يُصَلِّحُهُمْ)؛ و سوم، پشتوانه از میان برداشتن نیازشان (يَكُونُ مِنْ وَّرَاءِ حَاجَتِهِمْ) (همان).

۲.۴.۳ عمران و آبادانی کشور

از عوامل ویرانی سرزمین‌ها نابه‌سامانی اقتصادی است. ویرانی زمین از تنگ‌دستی دارندگان زمین پیش می‌آید و بی‌گمان نابه‌سامانی اقتصادی معلول بی‌تدبیری و سوء مدیریت است، چنان‌که در آموزه‌های امام علی (ع) به صراحت قید شده است: «سُوءُ التَّدْبِيرِ سَبَبُ التَّدْمِيرِ»؛ سوء تدبیر سبب ویرانی است (آمدی، ۱۴۲۰: ۵۵۷۱).

۳.۴.۳ تأمین اجتماعی

در دیدگاه امام علی (ع) محرومان و ضعفا اهمیت ویژه‌ای دارند و دولت باید این افراد را شناسایی و به آنها رسیدگی کند. امام در بخشی از نامه خود به مالک‌اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى، مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ، وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا. وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَ قِسْمًا مِنْ غُلَّتِ صَوَافِي الْأِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ، فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى. وَ كُلُّ قَدِ اسْتُرِعِبَتْ حَقُّهُ؛ فَلَا يَشْغَلَنَّكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ. فَإِنَّكَ لَا تُعْذَرُ بِتَضْيِيعِكَ التَّائِفَةَ لِأَحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهْمِّ» (نهج البلاغه: نامه ۵۳)؛ خدای را! خدای را! (به نظر آر) درباره طبقه ضعیف که هیچ

چاره‌ای ندارند؛ از جمله آنان مستمندان و نیازمندان و بینوایان و زمین‌گیران‌اند، که هم درخواست‌کننده در این طبقه وجود دارد و هم نیازمندی که روی درخواست کردن ندارد. پس به‌خاطر خدا حق او را که پاسداری از آن را از تو خواسته است دربارهٔ اینان پاس‌دار، و سهمی از بیت‌المال (اموال عمومی) خود را، و سهمی هم از محصولات به‌دست‌آمده از زمین‌های خالصهٔ دولتی را در هر شهری برای آنان بگذار؛ و بی‌گمان برای افراد دورترشان همان سهمی را باید در نظر بگیری که برای نزدیک‌ترانشان تعیین می‌کنی، و رعایت حق هریک از تو خواسته شده است؛ پس مبدا سرمستی (قدرت) اندیشهٔ تو را از آنان بگرداند و به خود سرگرم کند. بی‌گمان بهانهٔ تو، که برای استوار گردانیدن کارهای بسیار مهم کارهای کوچک و ناچیز را فرو گذاشته‌ای، پذیرفته نمی‌شود.

ضعفای جامعه طبقات گوناگونی دارند:

مَسَاكِينِ یا مستمندان که از همه نظر در تنگنای معیشتی و زیر خط مطلق فقر قرار دارند، که لازم است به‌سرعت به وضع آنان رسیدگی شود؛
مُحْتَاَجِينَ یا نیازمندان که در مواردی در تنگنای معیشتی قرار دارند و لازم است به آنان رسیدگی شود؛

أَهْلُ الْبُؤْسَى یا بینوایان که در سختی به‌سر می‌برند و به دلایلی گرفتار شده‌اند و باید به آنان توجه شود، مانند خانواده‌های بدسرپرست؛

الزَّيْمَنِي یا زمین‌گیران از کار افتادگان، معلولان، و سالخورده‌گان‌اند که امکان کار و فعالیت ندارند و لازم است به آنان رسیدگی شود.

سامان‌دهی این گروه‌ها نیازمند برنامه‌ای عدالت‌محور، جامع، و توانمند است و با دستورالعمل‌های موضعی، رفتارهای مقطعی، و اقدامات بی‌برنامه نمی‌توان وضع این افراد را به‌سامان مناسب، یعنی تأمین کافی و مبتنی بر عدالت و شئون انسانی، رسانید.

سامان‌دهی محرومان جامعه و تأمین کامل آن‌ها حقی مسلم بر عهدهٔ دولت در اقتصاد اسلامی است. بدین لحاظ، لازم است منابع مالی آن از خزانهٔ عمومی و درآمدهای دولتی تأمین شود.

۵.۳ چهارچوب حقوق اقتصاد اسلامی

در یک نظام اقتصادی رفتارهای اقتصادی دولت متأثر از سه عامل است: عامل نخست، اهداف و جهان‌بینی خاص مکتب اقتصادی است؛ عامل دوم، چهارچوب و الزامات حقوق

اقتصادی است؛ و عامل سوم، عوامل محیطی است. در این مقاله پرداختن به همه سیاست‌ها امکان‌پذیر نیست، اما به لحاظ کارکرد ویژه اقتصادی به سیاست‌های ناشی از حقوق اقتصادی اشاره می‌شود:

۱.۵.۳ ممانعت از احتکار

در زمان مالک‌اشتر ضمن آنکه بر نقش مهم بازرگانان و صنعت‌گران تأکید شده، آنان مایه منفعت و پدیدآورندگان آسایش دانسته شده‌اند و سود حاصل از تلاش آنان را مایه برپایی بازارها قلمداد می‌کنند. در این باره آمده است:

پس درباره بازرگانان و صنعت‌گران سفارش (مرا) بپذیر، و به بهترین شیوه درباره آنان سفارش کن؛ چه کسی که بر جای بود و چه آنکه با مال خود از این سو بدان سو رود، و با دسترنج خود کسب کند، که آنان مایه‌های سودها، و وسیله به دست آمدن درآمدها (و کالاهای مورد نیاز مردم) هستند. و آورنده آن از جاهای دوردست و دشوار، در بیابان و دریا و دشت و کوهسار و جاهایی که مردم برای موقعیت‌های - دشوارش - در آن جاها به هم نمی‌پیوندند، و دلیری رفتن بر سر آن جاها را در سر نمی‌پروراند. این بازرگانان مردمی آرام‌اند و نمی‌ستیزند و آشتی‌جویند و فتنه‌ای نمی‌انگیزند و کار آنان را واریسی کن، چه در آنجا باشند که خود به سر می‌بری و چه در گوشه و کنار سرزمین و فرمانداریات (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳).

۲.۵.۳ کنترل قیمت‌ها (تسعیر)

از فرمایشات امام (ع) درباره کنترل قیمت‌ها این‌گونه برداشت می‌شود که در حکومت حضرت، مستقیماً، قیمتی برای کالاها وضع نمی‌شد و ایشان در این باره فقط توصیه می‌کرد. همان‌گونه که در عهدنامه مالک‌اشتر می‌فرماید: «باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد و با نرخ‌های نه به زیان فروشنده و نه خریدار» (همان).

امام صادق (ع) در جواب سؤالی درباره قیمت‌گذاری فرمود:

امیرالمؤمنین (ع) بر کالای کسی قیمت‌گذاری نکرد و لکن به کسی که بیش از قیمت متعارف کالایش را عرضه می‌کرد فرمود: آن‌گونه که مردم می‌فروشند بفروش و در غیر این صورت از بازار بیرون رو، مگر اینکه کالایی که او عرضه می‌کرد مرغوب‌تر از کالایی بود که در بازار عرضه می‌شد (نظرپور، ۱۳۸۰: ۹).

می‌توان نتیجه گرفت که در دیدگاه امام (ع) عرضه و تقاضا تعیین‌کننده ارزش کالا است، اما برای کنترل قیمت به افرادی که اجناس را با قیمتی بیش از قیمت معمول عرضه می‌کردند تذکر داده می‌شد و برای آنها محدودیت‌هایی ایجاد می‌کردند.

۳.۵.۳ کنترل اوزان

وقتی حضرت بر زعفران‌فروشی که زعفران را وزن می‌کرد و چرب می‌کشید گذشت، به او فرمود: وزن را به قسط تمام کن. سپس هر میزان که تمایل داری بر آن بیفزای (الکتانی، بی‌تا: ج ۲، ۳۴).

از امام صادق (ع) نقل شده است: امام زنی را در حال خرید گوشت از قصاب دید که در هنگام توزین به قصاب گفت مقداری بیفزای. حضرت فرمود: بیفزای همانا این افزودن نعمت را بیش‌تر می‌کند (الکلینی، ۱۴۰۱: ج ۵، ۱۵۲). این سخن حضرت حاکی است که در معاملات که خرید و فروش بر مبنای توزین است، باید توزین دقیق صورت پذیرد ولی شایسته است فروشنده چیزی بر آن بیفزاید و چرب‌تر بکشد. البته این شایستگی فقط در صورتی است که افراد بخواهند کالاهای در ملکیت خود را بفروشند. اما اگر قرار است اموال بیت‌المال را توزیع کنند و یا به فروش برسانند باید کاملاً عدالت را رعایت کنند و چیزی بر آن اضافه نکنند. به همین دلیل، از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که حضرت مردی را خواست تا مقدار زعفرانی از بیت‌المال را بین مردم تقسیم کند؛ آن فرد در هنگام وزن کردن مقدار بیش‌تری وزن می‌کرد. حضرت با چوب‌دستی به دست او زد و فرمود: «همانا وزن یکسان است» (الرزاز الواسطی، ۱۹۸۶: ۱۰۲).

از این روایات استفاده می‌شود که اگر انسان می‌خواهد بذل و بخشش داشته باشد باید از مال خودش باشد، نه از بیت‌المال. امیرالمؤمنین (ع)، اسوه سخاوت و بخشش، در تقسیم بیت‌المال ذره‌ای اضافه بر حق فرد به او نمی‌داد و معتقد بود بذل و بخشش در اموال عمومی، به هر طریقی که باشد، خیانت به بیت‌المال و صاحبان اصلی آن است و بر همین نظر با برادرش عقیل نیز مانند بقیه برخورد می‌کرد.

۴.۵.۳ نظارت بر رعایت حریم بازار و قوانین آن

تعیین مکان و حدود بازار بر عهده حکومت است و افراد نمی‌توانند به هیچ‌وجه به حریم بازار تجاوز کنند. همین‌طور بازاریان نمی‌توانند بساط خود را در خارج بازار و مکانی که دولت تعیین کرده پهن کنند و یا به احداث بنایی برای فروش کالا بپردازند. به همین دلیل،

است که امیرالمؤمنین (ع) وقتی بر خانه‌های «بنی البکاء» گذر کرد، فرمود: این مکان جزء بازار است و دستور داد که ساکنان آن به جای دیگر منتقل شوند و بعد از این آن خانه‌ها را ویران کردند (نظرپور، ۱۳۸۰: ۱۰).

۵.۵.۳ ممنوعیت ذبح حیوانات مریض و ناقص

بی‌تردید از نظر شرع مقدس خوردن گوشت این حیوانات حرامی ندارد. ولی حضرت، در مقام حاکم جامعه اسلامی، این دستورات را صادر کرد تا افراد جامعه با خوردن این گوشت‌های آلوده سلامت خود را از دست ندهند. همان‌گونه که وقتی مسلمانان در خیبر از بابت تغذیه با مشکل مواجه شدند و الاغ را ذبح و برای طبخ آماده کردند، پیامبر اکرم (ص) دستور داد دیگرها را واژگون کنند. حضرت به دلیل مصالحی چنین اقدام کرد و در روایت امام باقر (ع) آمده که سبب نهی پیامبر (ص) در آن هنگام به دلیل استفاده بارکشی از آن حیوان بود تا این منفعت از جامعه فوت نشود (همان: ۱۱).

این ممنوعیت‌ها بدان دلیل است که حاکم جامعه اسلامی باید تمام سعی و کوشش خود را مبذول دارد تا آسایش و رفاه بیش‌تر مردم فراهم آید و تا حد ممکن از بیماری‌ها، بلاها، و ناهنجاری‌های عمومی جلوگیری شود.

۶.۵.۳ ممنوعیت ربا

ربا از هر نوع، چه ربای معاملی و چه ربای قرضی، مطلقاً حرام است. ولی تشخیص معاملات ربوی از غیر آن در بسیاری از موارد دشوار است. امام علی (ع) می‌فرماید:

در معاملات خود ربا نخورید پس قسم به کسی که دانه‌ها را می‌شکافد و انسان را آفریده. همانا ربا در میان این امت مخفی‌تر از حرکت مورچه بر سنگ سیاه در شب ظلمانی است (همان).

اگر فروشندگان و خریداران شناخت درستی از احکام شرعی معاملات نداشته باشند در دام ربا گرفتار می‌شوند. حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: «کسی که بدون علم به احکام تجارت کند مستمراً در ربا غوطه‌ور می‌شود» (نهج‌البلاغه: حکمت ۴۴۷). حضرت در روایت دیگر بسیار صریح بیان می‌دارد کسی که بدون آموختن احکام شرعی به تجارت می‌پردازد حتماً به رباخواری مبتلا می‌شود و کسی که ربا می‌خورد وارد آتش خواهد شد (همان: قصار ۴۴۷).

بی‌تردید گسترش ربا، خصوصاً ربای قرضی در بازارها، موجب فساد معاملات و گسترش نابرابری‌ها خواهد شد و فرهنگ کسب درآمد از راهی به‌جز کار و تلاش مستقیم اقتصادی را گسترش خواهد داد و انگیزه کوشش اقتصادی سودمند را، خصوصاً هنگامی که نرخ بهره از نرخ بازدهی سرمایه در جامعه بیش‌تر باشد، از افراد سلب خواهد کرد.

۷.۵.۳ شفافیت معاملات

حیله در معامله و نیز جهل دربارهٔ اطراف معامله موجب بطلان و فساد معامله می‌شود. امام علی (ع) در خطاب به تاجران مواردی از این امور را توصیه می‌کند و می‌فرماید در صورتی که از این امور مراقبت کنید، معاملاتی که انجام می‌دهید معاملات صحیح خواهد بود و از حرام دور خواهید ماند (عاملی، ۱۴۰۸: ۵۲).
در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

مخفی کردن عیب کالا از سوی فروشنده غش و تقلب است و برای مسلمان حلال نیست به برادرش کالایی را بفروشد، مگر اینکه عیبش را بازگو کند و جایز نیست برای غیر فروشنده در صورتی که عیب را می‌داند آن را مخفی کند، هنگامی که خریدار تصمیم خود را برای خرید کالایی بیان می‌دارد و کالا را به آن فرد نشان می‌دهد (نظرپور، ۱۳۸۰: ۱۱).

در روایت دیگری پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

کسی که کالای معیوبی را بفروشد و آن را اعلام نکند همواره در مقت و سخط الهی خواهد بود و ملائکه دائماً او را لعنت خواهند کرد (همان).

۸.۵.۳ نظارت و بازرسی در بازار

رعایت قوانین و مقررات اسلامی در همهٔ ارکان نظام اقتصاد اسلامی امری ضروری است. تضمین این رعایت نظارت و بازرسی مداوم است. برای این امر می‌بایست افرادی شایسته برای نظارت و بازرسی تعیین کرد که هم به احکام اسلام آشنا باشند و هم صلاحیت اخلاقی این امر را داشته باشند تا بتوانند با راهنمایی فروشندگان و خریداران را با احکام اسلامی آشنا کنند.

۴. نتیجه‌گیری

گفتار، رفتار، و سیاست‌های امام علی (ع) در حوزه اقتصاد و معیشت از ابعاد مهم رویکرد حکومتی و اجتماعی ایشان است و در میان تمامی رهبران و پیشوایان دینی بیش‌ترین توجه را به خود اختصاص داده است؛ زیرا بعد از رسول خدا (ص) تنها امام شیعیان است که مدتی هرچند کوتاه خلیفه و حاکم مسلمین بوده است.

در متون تاریخی و روایی، هزاران گزاره درباره بیان عملکرد اقتصادی ایشان وجود دارد، اما حکمت‌ها، خطبه‌ها، و نامه‌های *نهج‌البلاغه*، به‌ویژه عهد مالک‌اشتر، بهتر می‌تواند محور اساسی و مستندی قوی برای دریافت رویکرد امام به اقتصاد باشد.

با بررسی حکومت امام علی (ع)، به‌منزله مصداقی کامل از حکومت اسلامی، می‌توان زوایای عملی و اجرایی احکام اسلامی و نیز وظایف مهم اقتصادی یک حکومت را شناسایی کرد.

ایشان در دوران حکومت کوتاه خود، با استفاده از شواهد و قراین، احکامی صادر کرده و در امور دنیوی همانند دیگران تصمیم‌هایی اتخاذ کرده است که می‌تواند به‌مثابه الگو و نمونه عملی مقبول از آن استفاده شود.

بررسی عملکرد اقتصادی امام علی از دو نظر قابل بهره‌برداری است:

نخست: با استناد به اعتقاد شیعیان به عصمت امامان معصوم و اینکه ایشان مرتکب خطا نمی‌شوند صورت می‌پذیرد، پس روش زندگی و حکومت‌داری امام می‌تواند مستندی فقهی و حجتی شرعی برای پیروان مکتب تشیع در نظر گرفته شود؛

دوم: فارغ از بحث عصمت، عملکرد اقتصادی امام علی (ع) در مقام زمام‌دار و حاکم مسلمانان، که همه مسلمانان در طول تاریخ بر عدالت و پارسایی او متفق‌القول اند، می‌تواند الگو و نمونه عملی مقبول و مورد استناد و استفاده همه مسلمانان واقع شود.

در این مقاله، تلاش شد برای اثبات فرضیه اصلی تحقیق حاضر، که بر امکان استخراج الگوی موفق برای اقتصاد اسلامی از منظومه فکری و رفتاری امام علی (ع) در حوزه اقتصاد و معیشت مبتنی بود، عملکرد اقتصادی ایشان چه به‌صورت فردی و چه در مقام حاکم اسلامی بررسی شود.

اصرار و تأکید مداوم ایشان بر توزیع عادلانه درآمد، ثروت، و امکانات اجتماعی، رعایت عادلانه و مجدانه قوانین و مقررات، و در نهایت تکریم انسان‌ها از ویژگی‌های بارز حکومت امام علی (ع) است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ینبع: نام منطقه‌ای است در ۱۶۵ کیلومتری غرب مدینه. شهری بین مکه و مدینه از بلاد بنی‌حزمه در ساحل دریای سرخ و آن را به سبب چشمه‌های فراوانش به این نام خوانده‌اند (یاقوت حموی، ۱۳۹۹: ج ۱، ۶۵۸). ینبع قلعه‌ای است که در آن آب روان و مزرعه بسیار وجود داشته است و از فضای پردرخت و نخلستان‌ها و آب‌های گوارای آن استفاده می‌کردند و اکنون بندر بزرگی است و نه منزل از مدینه به طرف مکه فاصله دارد. این منطقه به دارا بودن آب زیرزمینی بسیار و کیفیت خوب برای زراعت و درخت‌کاری و داشتن زمین مناسب برای کشت و کار و باغداری معروف بوده است. ابن شهر آشوب تعداد چاه‌های امیرالمؤمنین در ینبع را بالغ بر یکصد حلقه ذکر کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۴: ج ۲: ۱۳۲). البته برخی تعداد چشمه‌های آن را تا ۱۷۰ حلقه ذکر کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۱: ۳۲).

پس از وفات امام، منطقه ینبع در اختیار اولاد امام حسن (ع) قرار گرفت. نام ینبع در کتب تاریخ، سیره، و جغرافیا با نام امام علی (ع) عجین شده، چنان‌که این شهر در هیچ کتابی بی‌نام علی معرفی نشده است. درباره چگونگی تسلط امام بر این منطقه روایات مختلفی رسیده است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

در زمانی که رسول خدا (ص) اراضی فیء را تقسیم کرد، زمینی هم نصیب علی (ع) شد، او در این زمین چاهی حفر کرد که آب از درون آن مانند گردن شتر می‌جوشید، و به همین مناسبت نام ینبع، به معنای جوشیدن آب از زمین، را بر آن نهاد (الکلبینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ۵۴).

ابن شبه می‌گوید:

هنگامی که رسول خدا (ص) ینبع را گرفت، آن را به کشد بن مالک جهنی اقطاع کرد، کشد گفت: یا رسول الله من در حال پیری هستم ولکن آن را به برادرزاده‌ام اقطاع کنید. پس پیامبر به او اقطاع کرد، پس از آن، عبدالرحمن بن سعد بن زراره انصاری آن را به ۳۰ هزار درهم از او خرید و به آنجا رفت ولی وی در آنجا با بادهای شدید و سختی‌های فراوان مواجه شد و قصد ترک آن را کرد و به هنگام بازگشت در نزدیکی ینبع با علی بن ابی‌طالب رضی الله عنه مواجه شد. [علی (ع) از او] پرسید: از کجا می‌آیی؟ جواب داد: از ینبع می‌آیم و از آن بیزار شده‌ام. [امام سؤال کرد] آیا قصد فروشش را نداری؟ من آن را به قیمت خرید خریدم، گفت: مال تو باشد، پس از آن [امام (ع)] به آنجا رفت (ابن شبه، ۱۴۱۰: ج ۱، ۲۱۹).

وی در روایت دیگری از عمار بن یاسر نقل می‌کند:

پیامبر اکرم (ص) "ذی العشیره" را به امام علی (ع) اقطاع کرد، سپس عمر پس از تصدی

خلافت قطعه‌ای را به او اقطاع کرد. علی (ع) قطعه دیگری خرید و به آنها اضافه کرد و اموال علی (ع) در ینبع از چشمه‌های متفرقه‌ای تشکیل می‌شد (همان).

در معجم البلدان نیز در روایتی از امام صادق آمده است که عمر بن الخطاب قسمتی از ینبع را به امام علی (ع) اقطاع کرد و خود ایشان نیز بخش دیگری خرید و به آن اضافه کرد (یاقوت حموی، ۱۳۹۹: ج ۵، ۴۵۰).

ملاحظه می‌شود که در این روایات سه وجه برای نحوه تسلط امام (ع) ذکر شده است و با توجه به وسعت املاک آن حضرت در ینبع می‌توان مفاد روایت عمار یاسر مبنی بر تملک هر بخش از این سرزمین به یکی از سه وجه مذکور را پذیرفت.

گویا امام علی (ع) از سال‌ها پیش و از زمان رسول خدا (ص) این سرزمین را به‌خوبی می‌شناخت چنان‌که عمار یاسر می‌گوید: «من و علی (ع) در غزوه ذی‌العشیره همراه بودیم، هنگامی که رسول خدا (ص) در آنجا فرود آمد و اقامت گزید گروهی از مردم بنی مدلج را دیدیم که در نخلستان یکی از چشمه‌های آن کار می‌کردند. علی (ع) به من گفت: ای ابالیقظان آیا می‌خواهی برویم ببینیم که اینان چگونه کاری می‌کنند؟ بعد، نزدیک آنان رفته و مدتی به نحوه کار کردن آنان نگاه کردیم تا اینکه خواب بر ما چیره شد، پس من و علی (ع) رفتیم و در میان درختان نخل کوچک بر روی خاک خوابیدیم...».

ابن شبه با نقل روایتی می‌نویسد:

لما اشرف علی رضی الله عنه علی ینبع فنظر إلی جبالها قال: لقد وضعت علی تقی من الماء عظیم: هنگامی که علی رضی الله عنه بر ینبع اشراف پیدا کرد و به کوه‌های آن نگاه کرد گفت: به تحقیق که تو بر منبع عظیمی از آب گوارا قرار گرفته‌ای (ابن شبه، ۱۴۱۰: ج ۱، ۲۲۱).

از تاریخ شروع اقامت امام (ع) در ینبع اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی از شواهد تاریخی چنین به‌دست می‌آید که این امر در اوایل دوره خلفا اتفاق افتاده و تا نزدیکی زمان خلافت آن حضرت تداوم یافته است. در جریان شورش‌های مردمی در اواخر دوره عثمان، امام هنوز در ینبع سکونت داشت. زمانی که امام برای اصلاح میان مردم به مدینه آمد، خلیفه به ایشان اعتراض کرد و دوباره به ینبع بازگشت و پس از مدتی، با شعله‌ور شدن آتش فتنه، عثمان از امام (ع) خواست تا برای خاموش کردن آن به مدینه بیاید، ولی با گذشت مدت کوتاهی وقتی اشتیاق شدید مردم به خلافت امام (ع) را مشاهده کرد، از او خواست تا برای آرامش مردم به ینبع بازگردد و این عمل را چندین بار دیگر هم تکرار کرد (قرشی، ۱۴۲۳: ج ۳، ۲۶۴).

میزان محصول این املاک در زمان حیات امام (ع)، به روایت واقدی، افزون بر هزار و سق (۶۰ من) بوده است (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۳۲). درباره ارزش مجموعه این املاک اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما از روایتی که درباره عین ابی نیزر وارد شده است تا

حدودی می‌توان به ارزش بسیار بالای آنها پی برد. این روایت حاکی است که معاویه ۲۰۰ هزار دینار برای خرید عین ابی‌نیزر به امام حسین (ع) پیش‌نهاد کرد، ولی امام آن را نپذیرفت (المبرد، ۱۲۹۶: ج ۳، ۱۱۲۸).

۲. زمین‌هایی در عین‌ناقه، زمین‌های «بیره» از ناحیه «علاء»، املاکی در عین‌سکر، در «حرة الرجلاء» از ناحیه «شعب زید» وادی‌ای به نام «الأحمر»، در حرة الرجلاء وادی «البیضاء»، «رعیه» و «الأسحن» و «القصبیه» در ناحیه فدک، و چاه‌های «ذات کلمات»، «ذوات العشاء»، «قعین»، «معید»، و «رعوان» و چاه‌هایی در کناره‌های راه مدینه به مکه که به «بئر علی» مشهور است و تعداد آن‌ها را ۲۳ حلقه ذکر کرده‌اند (ابن‌شبه، ۱۴۱۰: ج ۱، ۲۳۵).

۳. «واعلموا انما غنمتم من شیء فأن لله خمسه و للرسول ولذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل» (انفال: ۴۱)؛ «ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فله و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل» (حشر: ۷).

۴. شریف رضی و دیگران شأن‌صدور این سخن را چنین آورده‌اند: امام (ع) در بصره به عیادت علاء بن زیاد حارثی، از یارانش، رفت و چون چشمش به خانه وسیع او افتاد فرمود: «مَا كُنْتَ تَصْنَعُ بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا، وَأَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَجُ؟ وَ بَلَىٰ إِنْ شِئْتَ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ: تَقْرَىٰ فِيهَا الضَّيْفَ، وَ تَصِلُ فِيهَا الرَّحِمَ، وَ تَطْلُعُ مِنْهَا الْحُقُوقَ مَطْلَعَهَا، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ» (این خانه فراخ در دنیا به چه کارت آید که در آخرت به چنین خانه‌ای نیازمندتری. آری، مگر اینکه بدین وسیله بخواهی به آخرت برسی یعنی مهمان کنی و صلۀ رحم انجام دهی و حقوقی را که بر گردن داری بیرون کنی و به مستحقانش رسانی که در این صورت با این خانه به آخرت نایل شده‌ای). علاء گفت: «ای امیر مؤمنان! از برادرم عاصم بن زیاد به تو شکایت می‌کنم». فرمود: «چرا؟» گفت: «جامه‌ای پشمین به تن کرده و از دنیا کناره گرفته است». امام فرمود: «او را نزد من آرید». چون نزد وی آمد بدو گفت: «يَا عُدَىٰ نَفْسِهِ! لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ! أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَ لَدَكَ! أَ تَرَىٰ اللَّهُ أَحَلَ لَكَ الطَّيِّبَاتِ، وَ هُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا؟ أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ!» (ای دشمنک جان خود! شیطان سرگشته‌ات کرده و از راهت به در برده است. بر زن و فرزندان رحم نمی‌کنی و چنین می‌پنداری که خدا آنچه را پاکیزه است، بر تو روا کرده، ولی ناخشنود است که از آنها استفاده کنی؟ تو نزد خدا خوارمایه‌تر از آنی که می‌پنداری!) عاصم گفت: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! هَذَا أَنْتَ فِي خُسُوفَةٍ مَلْبَسِكَ وَ جُسُوبَةٍ مَأْكَلِكَ» (ای امیر مؤمنان! تو خود با این پوشاک خشن و آن خوراک ناگوار به سر می‌بری). فرمود: «وَيَحْكُ إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ فَرَضَ عَلَيَّ أُمَّةَ الْعَدْلِ...» (وای بر تو! من همانند تو نیستم که خدای متعال بر پیشوایان دادگر واجب کرده است...) (ابن‌الحدید، ۱۳۷۸: ج ۳، ۱۹).

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- «سیره اقتصادی امام علی (ع)»، برگرفته از سایت www.tebyan-ardebil.ir
- ابن ابی الحدید (۱۳۷۸ق). شرح نهج البلاغه، بتحقیق محمد ابوالفضل ابراهیمی، قاهره: دار احیاء الکتب العربی.
- ابن شبه (۴۱۰ق). تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، قم: دار الفکر.
- ابن شعبه. تنبیه الخواطر، ج ۲.
- ابن شهر آشوب مازندرانی (۴۰۴ق). مناقب آل ابی طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، قم: المطبعه العلمیه.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۴۲۰ق). غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- البخاری (۴۲۵ق). صحیح البخاری، ج ۳، بیروت: دارالفکر.
- تقفی کوفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی اصفهانی (۱۳۵۳). الفارات، ج ۱، تهران: انجمن آثار ملی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۳). سیره نبوی، ج ۱، تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۹). دلالت دولت، آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک‌اشتر، تهران: دریا.
- الراز الواسطی، اسلم بن سهل (۱۹۸۶م). تاریخ واسط، بیروت: عالم الکتب.
- السهمودی (۴۱۹ق). وفاء الوفاء فی اخبار دار المصطفی، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- السیوطی (۴۲۱ق). تفسیر اللز المثنور، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الشریف الرضی (۳۸۷ق). نهج البلاغه، ضبط نصّه و ابتکر فهارسه العلمیه صبحی الصالح، بیروت: بی‌نا.
- عاملی، جعفر مرتضی (۴۰۸ق). السوق فی ظل الدوله الاسلامیه، بیروت: دار الإسلامیه.
- فیض الاسلام سید علینقی (۱۳۵۱). ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: چاپ‌خانه حیدری.
- قرشی، باقر شریف (۴۲۳ق). موسوعه الامام علی (ع)، ج ۳، قم: مؤسسه کوثر للمعارف الاسلامیه.
- الکتانی، عبدالحی (بی‌تا). الترتیب الاداریه، بیروت: دار الکتب العربی.
- الکلینی (۴۰۱ق). فروع کافی، ج ۵، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: دارصعب و دارالتعارف.
- الکلینی، محمد بن یعقوب (۴۰۷ق). فروع کافی، ج ۷، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۰). «امام علی (ع)، دولت و سیاست‌های اقتصادی»، کتاب نقد، ش ۱۹.
- المبرد (محمد بن یزید) (۴۱۷ق/۱۹۹۷م). الکامل فی اللغه و الأدب و التصریف، قاهره: دار الفکر العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمدی ری شہری، محمد (۱۳۸۴). *میزان الحکمہ*، قم: دار الحدیث.
نظریور، محمد تقی (۱۳۸۰). «امام علی (ع)، حکومت و بازار»، کتاب نقد، ش ۱۹.
یاقوت حموی (۱۳۹۹ق). *معجم البلدان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.